

ارث.....	۳۵
چرا ارث زن، نصف ارث مرد است و آیا این با عدالت سازگار است؟.....	۳۵
قضاوت.....	۳۷
چرا زنان نمی توانند قاضی شوند و حق قضاوت از آنان سلب شده است؟ مگر زن نسبت به مرد کمبود و نقصی دارد؟.....	۳۷
مرجعیت.....	۳۹
آیا زن هم مانند مرد، می تواند مرجع شود؟.....	۳۹
حق طلاق.....	۴۱
چرا اسلام حق طلاق را به زن نداده و آن را در اختیار مرد گذارده است؟.....	۴۱
شهادت.....	۴۳
چرا شهادت زن با مرد یکسان نیست؟ چرا زنان باید دو نفر باشند، اما مردان یک نفر کافی است؟ و اصلاً چرا در بعضی مواقع شهادت زنان پذیرفته نمی شود؟.....	۴۳
مشورت.....	۴۶
چرا برخی از احادیث، از مشورت با زنان منع کرده اند؟ آیا این سخن درست است و اگر هست، چگونه توجیه می شود؟.....	۴۶
قیومت مردان.....	۴۹
در قرآن آمده است: (الزَّالِجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ). این آیه به طور صریح مردان را برتر از زنان می داند. پاسخ چیست؟.....	۴۹
نقصان عقل زن.....	۵۱
چرا در بعضی روایات اسلامی، زن مذمت شده و او را ناقص العقل معرفی کرده اند؟.....	۵۱
اجازه دختر در ازدواج.....	۵۵
چرا اجازه پدر برای دختر در امر ازدواج شرط است، ولی برای پسر چنین نیست؟.....	۵۵
فعالیت اجتماعی زنان.....	۵۷
چرا خداوند در قرآن، خانه را بهترین مکان برای زن دانسته است؟ چرا در برخی روایات زنان از رفتن به مسجد منع شده و مسجد زن، خانه دانسته شده است؟ از طرف دیگر چرا علما زنان را به حضور در اجتماع تشویق می کنند؟.....	۵۷
چند همسری مردان.....	۵۹
چرا اسلام برای مردان این اختیار و امکان را داده است که بتواند تا ۴ همسر اختیار کنند؟ آیا این ظلم به زنان - مخصوصاً همسر اول - نیست؟ اسلام چه راهی برای جلوگیری از سوء استفاده از این قانون	

برای مردان هوسران پیش بینی کرده است؟.....	۵۹
رعایت عدالت مهم ترین شرط.....	۶۱
چند همسری زنان.....	۶۵
چرا زنان نمی توانند مانند مردان تا ۴ همسر اختیار کنند یا ازدواج موقت همزمان داشته باشند؟.....	۶۵
ازدواج موقت و شخصیت زن.....	۶۷
تفاوت میان فحشا و ازدواج موقت چیست؟ در هر دو، زن با دریافت مبلغی خود را در اختیار مرد قرار می دهد. آیا ازدواج موقت توهین به شخصیت زن نیست؟.....	۶۷
مهریه و خرید زن!.....	۷۰
مگر مرد و زن در مسأله ازدواج و زناشویی یکسان بهره نمی برند؟ چه دلیل دارد که مرد مبلغی را به عنوان مهر به زن بپردازد؟ آیا مهریه توهین به زن نیست و معامله محسوب نمی شود؟.....	۷۰
لزوم حجاب.....	۷۲
آیا حجاب امری شخصی است یا قانون، زن را به داشتن حجاب مجبور می کند؟.....	۷۲
اصل حجاب.....	۷۵
حجاب چیست و آیا در قرآن آیه حجاب داریم؟.....	۷۵
واژه حجاب.....	۷۵
حجاب در قرآن.....	۷۶
حجاب در روایات.....	۷۸
حجاب در فقه اسلامی.....	۸۰
فلسفه حجاب و پوشش.....	۸۱
فلسفه حجاب و پوشش چیست؟.....	۸۱
۱. آرامش روانی.....	۸۲
۲. استحکام خانواده.....	۸۴
۳. استواری اجتماع.....	۸۵
۴. ارزش شخصیتی زن.....	۸۸
چند حکایت درباره حفظ حجاب.....	۸۹
حجاب فاطمی.....	۸۹
حجاب زینبی.....	۹۰
هفت سال در خانه.....	۹۱
تربیت خمینی علیه السلام	۹۱

اختصاص حجاب به زنان. ۹۳

آیا حجاب مخصوص زنان است؟ چرا پوشش به عنوان وظیفه زن معین شده نه وظیفه مرد؟! ۹۳

حجاب برتر. ۹۵

با اینکه حجاب به معنای پوشیدن بدن غیر از صورت و دو دست از مچ به پایین است، چرا این قدر بر چادر تأکید می‌شود. به خصوص برای آنها که به چادر عادت ندارند، برایشان دست و پاگیر است. توضیح دهید چرا می‌گویند چادر، حجاب برتر است؟ ۹۵

نشانه رفتارهای ناپسند زن ۹۷

یک زن از کجا مطمئن شود که لباس پوشیدن، حرف زدن، راه رفتن و برخورد هایش باوقار است و تحریک کننده نیست؟ ۹۷

۱. نشان دادن زینت‌ها. ۹۷

۲. نگاه. ۹۸

۳. پوشش نامناسب. ۹۸

۴. خروج غیر ضروری از منزل. ۹۹

۵. صدای زن. ۹۹

۶. اختلاط زنان و مردان. ۹۹

پوشش زن در نماز. ۱۰۰

حجاب در جایی است که نامحرم می‌باشد. پس چرا زن یا دختری که به تکلیف رسیده، باید خود را در نماز بپوشاند؟ مگر خداوند از همه چیز آگاه نیست؟ ۱۰۰

سن تکلیف. ۱۰۱

چرا سن تکلیف در دختران زودتر از پسران است؟ سختی‌ها و محدودیت‌هایی که در رعایت تقوا هست، چرا باید برای پسران دیرتر از دختران باشد؟! ۱۰۱

محرومیت از برخی عبادت‌ها. ۱۰۳

چرا می‌گویند بهتر است که زن در عبادت اجتماعی مانند نماز جماعت و تشییع جنازه، مشارکت نداشته باشد؟ ۱۰۳

مرد بودن پیامبر و امام. ۱۰۵

چرا خداوند زن را پیامبر یا امام قرار نداده است؟ ۱۰۵

اختصاص حورالعین به مردان. ۱۰۷

چرا خداوند در قرآن همیشه حوریان بهشتی را نعمتی برای مردان قرار داده و برای زنان چنین نعمتی ذکر نکرده است؟ ۱۰۷

دلت پاک باشد! ۱۰۹

آیا افراد بی‌حجاب یا کسانی که با پوشش نامناسب در اجتماع ظاهر می‌شوند، چنانچه نیت بدی نداشته باشند و دلشان پاک باشد، باز هم باید حجاب شرعی را رعایت کنند؟ ۱۰۹

چرا زن شدم؟ ۱۱۵

چرا ما دختر آفریده شده‌ایم؟ چرا پسران آزادتر از دختران هستند و می‌توانند راحت با دیگران ارتباط برقرار کنند و حتی در مسایل علمی بهتر پیشرفت کنند؟ ۱۱۵

فصل سوم: چند نکته مهم

۱. نگاهی به حکمت‌ها و علت‌های احکام الهی ۱۱۹

حکمت سجده نماز. ۱۲۰

حکمت ذکر بسم الله الرحمن الرحيم. ۱۲۱

حکمت ممنوعیت چشم چرانی. ۱۲۲

خود پرستی یا خدا پرستی؟! ۱۲۴

۲. تفاوت‌های عادلانه. ۱۲۶

امتیازاتی برای زنان. ۱۲۶

۳. وظیفه واقعی زنان. ۱۲۹

۴. تقلید چرا؟ ۱۳۱

سؤالات آزمون کتاب خوانی. ۱۳۴

سؤالات تستی: ۱۳۴

سؤالات تشریحی: ۱۳۷

فهرست منابع. ۱۳۸

کتاب‌ها: ۱۳۸

نرم‌افزار: ۱۳۹

دامن زدن برخی از افراد ناآگاه و مغرض به این مسأله در بین زنان و دختران، موجب شده اعتقاد دختران و زنان جامعه نسبت به آیین حیات بخش اسلام سست گردیده و از نقش اساسی و اصیل خود و ارزشی که دین مبین اسلام به آنها بخشیده، غافل گردند. از آنجا که سؤالات دختران و زنان در سطوح مختلف سنی و علمی مطرح می‌شوند، لازم بود به گونه‌ای مناسب دسته بندی و ضمن پاسخ به آنها، از توضیحات شعاری و پاک کردن صورت مسأله پرهیز کرده و مجموعه‌ای که مناسب سطح علمی دختران و عموم زنان جامعه باشد، عرضه گردد.

این مهم، هر چند در گذشته طی کتاب‌ها و مقالات و همایش و سمینارها بررسی و بدان پرداخته شده است، اما درک بیشتر آنها از فهم متوسط زنان خانه دار و دختران محصل بالاتر و مشکل‌تر می‌نمود.

به همین دلیل مجموعه حاضر که بیش از این با عنوان «منزلت زن از منظری دیگر» منتشر شده بود، اینکه با تجدید نظر کلی، حذف و اضافات و ویرایش جدید، تغییر یافته و با عنوان «چرا زن شدم؟» ارائه می‌گردد.

چرا زن شدم، برگرفته از مهمترین سؤالات واقعی - نه فرضی - دانش‌آموزان در مقطع راهنمایی و دبیرستان است که سعی شده با استفاده از منبع عقل و وحی و منابع معتبر دینی به آنها پاسخ داده و در حد فهم جوانان قلمی شود.

ذکر مثال‌ها، حکایت‌ها و آرایه‌الگوها به تناسب هر بحث، از ویژگی‌های این کتاب کوچک است.

از همین جا تشکر و سپاس خود را به همه کسانی که در شکل‌گیری این مجموعه یاری‌گر بودند - به خصوص همسر عزیزم - تقدیم می‌دارم.

امیدوارم همگان در پی کسب رضای خداوند و جلب رضای منجی بشریت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باشند و با اندوخته علمی، معرفت خود را نسبت به حقایق آفرینش و احکام متعالی اسلام بیشتر نمایند؛ ان شاء الله.

هادی قطبی

□ مقدمه

وَلَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا^۱

و هیچ کس را جز به قدر توانش تکلیف نمی‌کنیم.

به راستی آیا اسلام میان زن و مرد تفاوت قائل شده است؟

آیا مردان چون بیشتر کار می‌کنند و توانایی انجام مسئولیت بیشتری دارند، برتر از زنان هستند؟ تا چه اندازه برتر هستند؟

آیا خداوند در نگاه خود شأن زن را پایین‌تر و کمتر از مرد می‌داند؟ اگر نه؛ پس چرا زنان همیشه در جامعه مورد ظلم واقع می‌شوند و به عنوان جنس دوم تلقی می‌شوند؟

چرا سختی‌های آفرینش باید به دوش زنان باشد، اما لذت و آسایش نصیب مردان؟ اسلام برای این تبعیض‌ها و تفاوت‌های آشکار، چه جوابی دارد؟

آیا به راستی زنان متفاوت از مردان هستند؟

سؤالات بالا به همراه سؤالات جزئی‌تر در مصادیق این اختلاف و تفاوت‌های زن و مرد، همیشه از سوی دختران مطرح شده و گاه بدون آنکه پاسخ خود را بیابند، با نگاهی ناآگاهانه، همه آنها را به حساب جبر روزگار و تقدیر خداوند می‌گذارند و می‌گذرند.

۱. سوره مؤمنون، آیه ۶۲.

فصل اول:

کلیات بحث

تساوی حقوق زن و مرد
ارزش زن قبل و بعد از اسلام
حقوق زن در قرآن

تساوی حقوق زن و مرد

حتماً شنیده‌اید که می‌گویند «اسلام حقوق زن و مرد را به طور مساوی وضع نکرده است». اما باید توجه کنیم که میان «حقوق عادلانه» و «حقوق مشابه» تفاوت است.

سؤال ما این است: آیا لازمه عدالت و تساوی حقوق، تشابه حقوق هم هست یا خیر؟

به عنوان مثال اگر در یک خانواده فرزندان کوچک و بزرگ وجود داشته باشد، مادر خانواده برای همه بچه‌ها به یک اندازه غذا می‌ریزد؟ یا نه، به هر کدام به اندازه خود می‌دهد؟

استاد مطهری رحمته‌الله در همین خصوص مثال جالبی می‌زنند و می‌فرمایند: «ممکن است پدری ثروت خود را به طور مساوی میان فرزندان خود تقسیم کند، اما به طور مشابه تقسیم نکند؛ مثلاً ممکن است این پدر چند قلم ثروت داشته باشد؛ هم تجارتخانه داشته باشد، هم ملک مزروعی و هم مستغلات اجاری. ولی نظر به اینکه قبلاً فرزندان خود را استعدادیابی کرده است، در

یکی ذوق و سلیقه تجارت دیده است و در دیگری علاقه به کشاورزی و در سومی مستغل داری؛ هنگامی که می‌خواهد ثروت خود را در - زمان - حیات خود، میان فرزندان تقسیم کند، با در نظر گرفتن اینکه، آنچه به همه فرزندان می‌دهد، از لحاظ ارزش مساوی با یکدیگر باشد و ترجیح و امتیازی از این جهت در کار نباشد، به هر کدام از فرزندان خود، همان سرمایه‌ای را می‌دهد که قبلاً در آزمایش استعدادیابی، آن را مناسب یافته است.^۱

آری؛ بایستی میان کمیّت و کیفیّت تفاوت قائل شد و بین برابری و یکنواختی هم. اسلام، حقوق مشابه و یکنواختی برای زن و مرد قائل نشده است؛ اما در عین حال زن را برتر از مرد و یا مرد را برتر از زن نمی‌داند؛ چراکه اسلام، اصل مساوات انسان‌ها را درباره زن و مرد نیز رعایت کرده است. در قرآن آمده است:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ^۲؛ ای مردم! ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا، پرهیزکارترین شماست.

بنابراین روشن است که منظور اسلام از تساوی حقوق زن و مرد، برابری حقوق آنهاست، نه یکنواختی حقوق. حقوق زن و مرد ممکن است مانند هم نباشد، اما باهم برابر است. به زن یک سری امتیازها داده شده که به مرد داده نشده، از آن طرف به مرد هم یک سری امتیازها داده شده که به زن داده نشده است. این اندازه تفاوت هم به نوع خلقت و آفرینش آنها برمی‌گردد. یعنی این تفاوت لازمه آفرینش آنهاست؛ توضیح بیشتر در این زمینه، در بخش پایانی کتاب (ص ۱۱۷) خواهد آمد.

۱. نظام حقوق زن در اسلام، مرتضی مطهری، ص ۱۱۵.

۲. سورة حجرات، آیه ۱۳.

ارزش زن قبل و بعد از اسلام

برای آنکه بدانیم اسلام تا چه اندازه به زن بها داده است، لازم است وضعیت زن در اقوام پیش از اسلام را بررسی کنیم.

به طور خلاصه وضعیت زن قبل از اسلام چنین بود:

۱. زن انسانی در سطح حیوانات بود.

۲. زن جزو اجتماع نبود و اگر بود، برده و اسیر اجتماع بود.

۳. محرومیت زن از همه جانبه (حقوق و امکانات) بود.

۴. رفتار مردان با زنان بر اساس غلبه قوی بر ضعیف بود؛ یعنی استخدام و بهره‌کشی.^۱

سخن ویل دورانت

«ویل دورانت» در کتاب **تاریخ تمدن** در خصوص زنان و وضعیت آنان در اقوام و قبائل قبل از اسلام به طور تفصیل بحث کرده است، که خلاصه آن را می‌آوریم:

در قبائل آغازین قبل از اسلام، که نمونه‌های آن تا به امروز هنوز موجود است، زن را چون حیوانات به پلیدترین کارها وا می‌داشتند. از نفس کشیدن در کنار زنان دوری می‌جستند و به بهای اندکی آنان را خرید و فروش می‌کردند.

در «مصر»، هر سال رسم بود تا برای ازدیاد آب رود نیل، دختری را در آن غرق می‌کردند.

در «آتن»، زنان بیش از بیست من جو را نمی‌توانستند خرید و فروش کنند؛ چون زن یونانی حق عقد قرارداد نداشت و نمی‌توانست بیش از مبلغ ناچیزی

۱. ر.ک: ترجمه تفسیر المیزان، علامه طباطبائی رحمته الله، ج ۲، ص ۳۹۴ - ۴۰۴.

وام بگیرد.

در «اسپارت»، از زنان پسر می‌خواستند و اگر از پسر زائیدن زن ناامید می‌شدند، او را به مرگ محکوم می‌کردند.

زنان «رومی» به اندازه مردان هرزه‌گر بودند. زنان شوهران خود را همان‌گونه طلاق می‌دادند که مردان زنان را. پدران حق داشتند فرزندان خود را بفروشند. در بین رومیان، مثل بود که زن را نمی‌توان انسان نامید.

در «ایران» وضع بهتر بود. در پرده ماندن زن، عزت و کرامت او محسوب می‌شد؛ لذا در نقاشی‌های ایران باستان، کمتر به صورت زنان برخورد می‌کنیم. با این وجود در قوانین «ساسانی»، زن دارای شخصیت حقوقی نبود. زنان از اشیاء بودند، نه از افراد.

در «هند»، ازدواج، پیش از سن بلوغ صورت می‌گرفت.

قانون «مانو»، مقرر می‌کند که زن باید در طول زندگی زیر قیومت مرد باشد. اول پدر، بعد شوهر و بعد پسر. باید مرد را ارباب و خدا خطاب کند؛ همدوش او راه نرود. باید پس مانده غذای شوهر و پسر را بخورد. از کسب دانش محروم بود. ملکیت نداشت و همه میراث برای پسر بود. سوزاندن زن بعد از مرگ شوهر و... نیز معمول بود.

در «چین»، مردان قدرت مطلق داشتند. پدر می‌توانست همسر و کودکان خود را به غلامی و کنیزی بفروشد و نیز می‌توانست فرزندان خود را بکشد. مرد به تنهایی غذا می‌خورد و به ندرت زن و فرزندان را به سفره می‌خواند. رسم بود زنان بیوه برای ابراز وفاداری خود را بکشد. چینی‌ها زن را مظهر ناپاکی و مصیبت می‌دانستند. در چین غالباً دختران نوزاد را کشته یا به صحرا می‌افکندند. خویشاوندان برای تولد دختران تسلیت می‌گفتند و...

زنان «آفریقا» تا قرن ۱۹، مانند بردگان و ابزار کشاورزی، خرید و فروش

می‌شدند.

در «تاهیتی»، زنان مجبور بودند بچه‌خوکان را شیر دهند!
در «انگلستان»، طبق قانون ۱۸۵۰، زنان مالک چیزی حتی لباس تن خود نبودند.

آری؛ داستان زنده به گور شدن دختران در دوران جاهلی قبل از اسلام، مرسوم بود؛ که قرآن کریم نیز به این امر تصریح نموده است: «کسانی که از روی بی‌خردی و نادانی فرزندان خود را کشته‌اند، و آنچه را خدا روزی شان کرده بود حرام شمرده‌اند، سخت زیان کردند. آنان به راستی گمراه شدند و هدایت نیافتند.»^۱ و در جایی دیگر می‌فرماید:
وَ إِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ^۲؛ و چون پرسند از دخترک زنده به گور که به کدامین گناه کشته شده است؟

زن از دیدگاه اسلام

با طلوع آفتاب اسلام، به زن منزلتی دیگر بخشیده شد و او مانند مردان، صاحب حق دانسته شد. تساوی زن و مرد به خوبی نمایان است. از دیدگاه اسلام، تنها معیار برتری و امتیاز، برای کسانی است که از تقوای بیشتری برخوردار باشند؛ و نزد خداوند جنس برتر و پست‌تر مطرح نیست.

زن عدیل، همسایه، جفت مرد و جزء مکمل اوست؛ و در نظر اسلام، حقوقش همسایه حقوق مرد است. زن حق ارث، دیه، شهادت، همسری و... دارد.

زن در قرآن

در آیات قرآن همان‌طور که در مسائل مختلف سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، اختلاف و احکام و آداب سخن به میان آمده است، از زنان نیز در

۱. سوره انعام، آیه ۱۴۰.

۲. سوره تکویر، آیه ۸ و ۹.

موارد متعددی سخن گفته و برخی از آنها را یاد نموده است. در این زمینه، آیات قرآن چند دسته هستند که به آنها اشاره می‌کنیم:

۱. هر انسانی، برگرفته از دو انسان زن و مرد است. یعنی در وجود هرکس بخشی از زن قرار داده شده است. پس همه بشریت (مرد و زن) با هم در این بخش مشترک‌اند.^۱

۲. زن و مرد در اصل خلقت یکی هستند و زحماتشان هدر نمی‌رود. جنسیت ملاک پاداش دادن نیست.^۲

۳. برخی از آیات به ازدواج تصریح کرده است. بنابراین زن و مرد باید یکدیگر را تکمیل کنند و هر یک بدون دیگری ناقص است.^۳

۴. به زنان نمونه اشاره می‌کند^۴ و نام حضرت مریم عَلَيْهَا السَّلَام ۳۴ مرتبه در قرآن ذکر و سوره‌ای به نام ایشان نام‌گذاری شده است.

برخی را مانند همسر فرعون، الگوی زنان و مردان عالم معرفی می‌کند و می‌فرماید:

وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ^۵؛ و برای کسانی که ایمان آورده‌اند، خدا همسر فرعون را مَثَل آورده، آنگاه که گفت: «پروردگارا! پیش خود در بهشت خانه‌ای برایم بساز، و مرا از فرعون و کردارش نجات ده و مرا از دست مردم ستمگر برهان.»

برخی از آیات قرآن نیز درباره حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام نازل شده است؛ مانند سوره کوثر و آیات تطهیر^۶، مودت^۷، مباحله^۸ و آیات آغازین سوره انسان که به

جریان اتفاق به یتیم و مسکین و اسیر اشاره می‌کند و آیاتی دیگر.

در برخی دیگر از آیات از هاجر همسر ابراهیم عَلَيْهِمَا السَّلَام و مادر اسماعیل عَلَيْهِمَا السَّلَام یاد می‌کند. همچنین به فضه - کنیز و شاگرد حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام - در همان آیات آغازین سوره انسان اشاره شده است.

زنان نمونه تاریخ

گذشته از آیات قرآن، زنان نمونه‌ای در تاریخ یاد شده‌اند که از میان آنان می‌توان به زنان زیر اشاره کرد:

حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام همسر گرامی پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، سمیه اولین زن شهید در اسلام، حلیمه سعدیه (مادر رضاعی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) که حق مادری بر پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ داشت، فاطمه بنت اسد تنها زنی که کعبه برایش شکافته شد و سه روز داخل کعبه بود و از غذای دنیایی تناول نفرمود، ام سلمه زنی که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام عقد خواهری را خواند،^۹ خانم زینب عَلَيْهَا السَّلَام^{۱۰} و ام کلثوم عَلَيْهَا السَّلَام، همچنین خانم ام‌البنین عَلَيْهَا السَّلَام و سایر زنانی که در طول تاریخ اسلام تاکنون توانسته‌اند پا به پای مردان مؤمن و بلکه در برخی مواقع، بهتر از آنان رشد کنند و وظایف خویش را به انجام رسانند.

اگر دقت کنیم می‌بینیم آنچه در جریان مبارزه با ستم فرعون در قرآن مطرح شده است، مبارزات زنان است. زنانی که حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام را از کشته شدن حفظ کرده و او را تربیت کردند.^{۱۱}

۷. سوره شوری، آیه ۲۳.

۸. سوره آل عمران، آیه ۶۱.

۹. ر.ک: الغدير، علامه امینی، ج ۲، ص ۱۱۲؛ برگرفته از: نرم‌افزار توشه تبلیغ، محسن قرائتی، واژه زنان نمونه.

۱۰. در مقام معنوی خانم زینب عَلَيْهَا السَّلَام همین بس که امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام هنگام وداع به ایشان فرمود: «یا اختاه لاتنسینی فی نافله اللیل؛ ای خواهر! مرا در نماز شب از دعا فراموش نکن»؛ زینب کبری، علامه نقدی، ص ۸۴؛ نقل از: بهشت جوانان، اسد الله محمدی نیا، ص ۶۵.

۱۱. سوره قصص، آیات ۷ تا ۱۴.

۱. سوره حجرات، آیه ۱۳.

۲. سوره مدثر، آیه ۳۸؛ سوره نحل، آیه ۹۷؛ سوره آل عمران، آیه ۱۹۵؛ سوره غافر، آیه ۴۰؛ سوره احزاب، آیه ۳۵.

۳. سوره حجرات، آیه ۱۳؛ سوره روم، آیه ۲۱.

۴. سوره قصص، آیه ۷.

۵. سوره تحریم، آیه ۱۱.

۶. سوره احزاب، آیه ۳۳.

نقش زنان در انقلاب حضرت مهدی علیه السلام نیز بر کسی پوشیده نیست و در روایات به حضور زنان در انقلاب ایشان تصریح شده است. آری؛ برتری در اسلام تنها برای اهل تقوا و خودسازان است، نه یکی از مرد یا زن.

زن در احادیث

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام که مفسرین کلام الهی‌اند، بیش از آنچه در قرآن آمده، درباره مقام و منزلت زن سخن گفته‌اند. در این نوشتار می‌توان تنها به چند روایت بسنده کرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره دختران فرمود: «چه خوب فرزندان هستند دختران! هر کس یک دختر داشته باشد، خداوند آن دختر را حجاب و مانعی از آتش جهنم برای او قرار می‌دهد».^۱ در روایتی دیگر آمده است: «کسی که دختر داشته باشد و او را خوب تربیت نماید و علم مفید بیاموزد، چنین دختری مانع رسیدن آتش جهنم به پدر و مادرش خواهد بود».^۲ کسانی که دارای دختر هستند بهشتی‌اند.^۳ این دسته از روایات می‌گویند: زمینه رفتن به بهشت در کسانی که دارای دختر هستند، بیشتر از دیگران است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در روایتی فرمود: «المرأة ریحانة و لیست بقهرمانه»^۴ زن همچون گل است؛ نه قهرمان». از همین رو مسئولیت‌هایی به دوش او گذارده شده که با روحیه لطیف و ظریف او مناسب باشد. از همین رو کارهای سخت و مسئولیت‌های اجتماعی را به او واگذار نکرده و از او نخواستار است. بنابراین نباید خود را به زحمت بیندازد و کارهایی را که از او نخواستارند،

۱. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، ج ۱۵، ص ۱۱۶.

۲. کنز العمال، علاء الدین هندی، ج ۱۶، ص ۴۵۲، ح ۴۵۳۹۱؛ نقل از: بهشت جوانان، اسد الله مجیدی نیا، ص ۵۸.

۳. مکارم الاخلاق، شیخ طبرسی، ص ۲۱۹؛ ر. ک: آداب الطلاب، شاکر برخوردار فرید، ص ۴۴.

۴. نهج البلاغه، سید رضی، نامه ۳۱.

انجام دهد.

روایت‌های بسیاری درباره مادران و مقام آنان نقل شده است که نشان از مقام و منزلتی است که اسلام برای زنان و مادران قائل شده است. فضایی که درباره خدمت به مادر ذکر شده، با هیچ پاداشی برابری نمی‌کند تا آنجا که رضایت خداوند در رضایت والدین و خشم او در خشم آنان قرار داده شده است. از مجموع روایات چنین به دست می‌آید که جلب رضای مادر و احترام به او، از پدر لازم‌تر و مهم‌تر است؛ هر چند از نظر شرعی اطاعت از هر دو بر فرزندان واجب و در مرتبه‌ای بعد از اطاعت خداوند قرار داده شده است.

درباره اطاعت و حقوق همسری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «هر زنی که شوهرش را بیازارد، خداوند نماز آن زن را قبول نخواهد کرد و کار نیکش را نمی‌پذیرد؛ هر چند آن زن همه عمرش را روزه بگیرد؛ البته تا زمانی که به شوهرش کمک و او را خشنود کند. مرد نیز اگر زن خود را آزار دهد و به او ستم کند، همین گناه و عذاب را دارد».^۱

بنابراین با اندک مقایسه‌ای میان ارزشی که پیش از اسلام برای زن قایل بودند و آیات و روایاتی که در شأن زن وارد شده، می‌توان دریافت ارزش زن از کجا به کجا تغییر یافته است. هر چند دنیای قرن بیست و یکم که مدعی تمدن و پیشرفت است، هنوز هم دچار جهالت و گمراهی عمیق نسبت به حقوق زنان است:

«به نام تساوی حقوق، زنان را با حقوق ناچیز به کارخانه‌ها کشاندند، و بر خلاف طبیعت زن که برای کارهای سخت و طاقت فرسا آفریده نشده، او را برای کارهای سخت به کار گرفتند.

«به نام آزادی، او را از خانه که محل تربیت کودک و انجام وظیفه مادری و

۱. وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۶۳.

همسری بود، به مراکز فساد و فحشاء کشانند.

- به نام آزادی و تساوی حقوق، از وجود زن برای فروش لوازم آرایش و لباس‌ها و ساخت فیلم‌های مبتذل و... استفاده کردند تا در کسب و تجارت به سرمایه داران سود رسانند.

- و باز به نام آزادی، دختر شایسته سال انتخاب می‌کنند و با چاپ عکس‌های آن‌چنانی بازار خود را گرم می‌کنند.

به راستی پدیده انقلاب اسلامی، نوری بود در تاریکی. «انفجار نور بود» و از نور آن، زن بار دگر جانی تازه یافت و ارزش آن دگر باره مطرح شد و توانست تا حدود بسیاری جایگاه خود را بازیابد و بشناسد و به قوانین الهی پای‌بند و متعهد باشد.

حقوق زن در قرآن

آنچه بیان شد، نگاهی کلی به مقام و جایگاه زن در اسلام بود؛ اما درباره جایگاه خاص زنان در قرآن، می‌توان به آیات حقوقی نیز اشاره کرد.

اسلام همان‌طور که برای مردان حقی را قائل شده، برای زنان نیز حقوق خاصی را در نظر گرفته است. رعایت این حقوق یعنی رعایت حقوق خداوند؛ چراکه وضع هر قانونی در اسلام با واسطه یا بی‌واسطه، به اذن خداوند متعال صورت می‌گیرد؛ لذا رعایت این حقوق بر هر انسانی لازم است.

حق، یعنی بهره و نصیبی که هر موجودی از نعمت‌های الهی باید برد و از طرف دیگران، باید به او داده و - در حقیقت - ادا شود. موظفان به ادای حقوق، یا افرادند و یا متصدیان امور اجتماعی. ادا کردن هر حقی به صاحب حق، عدالت نام دارد. اعطای حق نامتناسب و یا حق متناسب ولی کمتر یا بیشتر از اندازه، ظلم محسوب می‌شود.

آیاتی که درباره حقوق زن تصریح دارد و رعایت آن لازم شمرده شده، می‌توان چنین دسته‌بندی کرد:

۱. حقوق خانوادگی: شامل حقوق زن بر همسر (حق رفتار شایسته، حق مسکن، حق نفقه، حق مهریه)، حقوق مادر بر فرزندان (حق احسان، حق احترام، حق دعا و طلب آمرزش).
۲. حقوق اقتصادی: شامل کار و دستمزد، مهریه و ارث.

۳. حقوق اجتماعی و سیاسی.

از آنجا که ذکر تمامی آیات مربوط به بحث به طول می‌انجامد می‌بایست به تفاسیر موضوعی و یا کتاب‌هایی که در این زمینه به نگارش درآمده‌اند، مراجعه کرد.

ما به مناسبت، برخی از آیات فوق را طی پاسخ به سؤالات مطرح خواهیم کرد.

□

فصل دوم:

پرسش‌ها و پاسخ‌ها

تفاوت‌های زن و مرد / دیه / ارث / قضاوت / مرجعیت
حق طلاق / شهادت / مشورت / قیومیت مردان / نقصان عقل زن
اجازه دختر در ازدواج / فعالیت اجتماعی زنان / چند همسری مردان
و...

▣ تفاوت‌های زن و مرد

چرا زن متفاوت از مرد آفریده شده است؟ اینکه یکی باید برتر باشد، چرا مرد باشد نه زن؟

ما تفاوت‌های موجود میان زن و مرد را انکار نمی‌کنیم، اما این تفاوت‌ها هیچ‌کدام دلیل بر برتری مرد یا پست و ناقص بودن زن نیست. قانون خلقت از این تفاوت‌ها منظور دیگری داشته است؛ این تفاوت‌ها برای محکم کردن پیوند خانوادگی زن و مرد است تا آنها به دست خود، حقوق و وظایف خانوادگی را تقسیم کنند. همان‌گونه که اعضای بدن همه متفاوت خلق شده‌اند، و در عین تفاوت به یکدیگر نیازمندند، زن و مرد نیز در عین اختلاف، محتاج به هم آفریده شده‌اند.

این مسأله نه در انسان، بلکه اصولاً جنس نر و ماده در عالم (حیوانات و گیاهان و انسان‌ها) متفاوت آفریده شده‌اند و تکامل هر کدام در دیگری قرار داده شده است؛ مثلاً برای اینکه نسل انسان (همچنین حیوانات) باقی بماند، باید غریزه جنسی وجود داشته باشد. البته نوع رابطه و چگونگی آغاز و

در این بخش، به سؤالات مهمی که درباره حقوق زنان و علت تفاوت‌های مردان در برخی از موارد مطرح می‌شوند، پاسخ می‌دهیم.

سؤالات به ترتیب تخصصی، نیمه تخصصی و عمومی دسته‌بندی شده‌اند و به اصطلاح از سخت به آسان است. سعی شده است، پاسخ‌ها همگی کوتاه و گذرا باشند؛ چراکه بررسی بیشتر و نگاه تخصصی‌تر، نیازمند طرح مباحث فقهی - حقوقی است و از عهده این نوشتار خارج است.

انجام آن را خالق آنها بیان می‌کند.

بنابراین اینکه بگوییم چرا اختلاف وجود دارد، سخن درستی نیست.

تناسب و تفاوت

عده‌ای اصرار دارند که تفاوت‌های جسمی میان زن و مرد را به حساب ناقص بودن زن و کامل بودن مرد بگذارند؛ و چنین وانمود کنند که بنابر قانون خلقت، زن ناقص آفریده شده است!

اما نکته مهم این است که تفاوت‌های زن و مرد به «تناسب» است، نه نقص و کمال. این تناسب در کتب روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، پزشکی و... به تفصیل بیان شده و ما در اینجا فقط به مهمترین تفاوت‌ها اشاره می‌کنیم و برخی برتری‌های زن به مرد و مرد به زن را از نظر جسمی، روانی و احساسات نسبت به یکدیگر، متذکر می‌شویم.^۱ هر کدام از این اختلاف‌ها نیز بنابر حکمت الهی ضروری است و دانش روز به برخی از اسرار این اختلاف‌ها پی برده است.

تفاوت زن و مرد، از نظر جسمی

- مرد از نظر اندام، درشت‌تر از زن است.

- مرد از نظر قد، بلندتر از زن است.

- مرد خشن‌تر و زن ظریف‌تر است.

- صدای مرد کلفت‌تر و خشن‌تر، ولی صدای زن نازک‌تر و لطیف‌تر است.

- رشد بدنی زن سریع‌تر، و رشد بدنی مرد کندتر است. حتی گفته

می‌شود جنین دختر سریع‌تر از جنین پسر رشد می‌کند.

- رشد عضلانی مرد و نیروی بدنی او از زن بیشتر است.

- مقاومت زن در بسیاری از بیماری‌ها، از مقاومت مرد بیشتر است.

- زن زودتر از مرد به بلوغ می‌رسد و زودتر از مرد هم از نظر جنسی از کار می‌افتد.

- دختر زودتر از پسر به سخن می‌آید.

- ضربان قلب زن، از ضربان قلب مرد سریع‌تر است و...

تفاوت‌های زن و مرد، از نظر روانی

- میل مرد به ورزش و شکار و کارهای پرتحرک، بیش از زن است.

- احساس مرد، مبارزانه و جنگی، و احساس زن، صلح‌جویانه است.

- مرد متجاوزتر، ولی زن آرام‌تر و ساکت‌تر است.

- زن برخلاف مرد، از اعمال خشونت درباره خود و دیگران پرهیز می‌کند.

- زن از مرد سریع‌تر به هیجان می‌آید و زودتر تحت تأثیر قرار می‌گیرد،

برخلاف مردان که از مزاج سردتری برخوردارند و دیر به هیجان می‌آیند.

- زن برخلاف مرد، به زینت و زیور و آرایش‌های مختلف علاقه زیادی

دارد.

- زن از مرد محتاط‌تر، مذهبی‌تر، پر حرف‌تر، ترسو تر و تشریفاتی‌تر است.

- احساس زن مادرانه است و از دوران کودکی در او نمود دارد.

- علاقه زن به خانواده، بیش از مرد است.

- زن در علوم استدلالی و مسائل خشک عقلانی به پای مرد نمی‌رسد،

ولی در ادبیات، نقاشی، و سایر مسائل که با ذوق و احساس مربوط است،

دست کمی از مرد ندارد.

- زن برخلاف مرد، رقیق القلب است و فوراً به گریه متوسل می‌شود.

- مرد بیشتر از زن، قدرت کتمان و حفظ اسرار - به خصوص ناراحت کننده

- را دارد. □

۱. با اندکی تصرف: نظام حقوق زن در اسلام، مرتضی مطهری رحمته الله علیه.

پس معیار ارزش انسانی چیست؟

معیار ارزش از دیدگاه اسلام همان است که در قرآن آمده است:

إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ^۱؛ در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا، پرهیزکارترین شماست.

و اما اصل پاسخ؛

۱. چون دیه مربوط به جنبهٔ بدنی است، بدنی که قوی‌تر بود، دیهٔ آن بیشتر است؛ و چون مردها در مسائل اقتصادی معمولاً بیشتر از زن‌ها بازدهی اقتصادی دارند، دیهٔ آنها بیشتر است. نه به این معنا که ارزش مرد بیشتر است؛ بلکه تنها آن بُعد جسمانی - جنبهٔ بدنی - مرد و زن لحاظ می‌شود. دیه مربوط به جسم است، نه روح. این قانون کلی است.

۲. وظیفه و مسئولیت مرد، سنگین‌تر از زن است. در روایتی از حضرت امام صادق (علیه السلام) نقل شده است: «مخارج پدر، مادر و فرزندان بر مرد واجب است»^۲؛ و حالی که اینها به زن واجب نیست. پس اگر مرد کشته شود، آسیب بیشتری به خانواده و جامعه وارد می‌شود.

۳. اگر در مواردی، زن‌ها نان‌آور خانه بودند و با آسیب دیدن و از دنیا رفتنشان، ضربه مالی به خانواده‌شان وارد شود، قاضی با اختیاراتی که قانون نیز پیش بینی کرده است، از طریق مجرم یا بیت‌المال، این کمبود اقتصادی را جبران می‌نماید که با مسئلهٔ دیه ارتباطی ندارد.

۴. از این‌ها گذشته، گاهی دیه بر مرد واجب است، در حالی که بر زن واجب نیست؛ و آن در جایی است که زنی سهواً مرتکب جنایت شود که باید خویشاوندان او، دیه مقتول را بپردازند.

زنان دیروز و امروز

۱. سورة حجرات، آیه ۱۳.

۲. وسائل الشیعة، شیخ حرّ عاملی، ج ۱۷، ص ۲۳۷.

□ دیه

چرا دیهٔ زن کمتر از مرد است؟ اگر به دلیل نان آور بودن مرد باشد، گاهی زنانی نان آور هستند. در آن موارد چرا باز هم دیهٔ او کمتر از مردان است؟

قبل از هر چیز باید گفت: ارزش آدمی به خون نیست، تا بخواهیم بر این اساس او را ارزیابی کنیم. قرآن می‌فرماید: «هر کس کسی را جز به قصاص قتل یا - به کیفر - فسادی در زمین بکشد، چنان است که گویی همهٔ مردم را کشته باشد.»^۱

دیه، امری اقتصادی و نوعی مجازات، جبران و خسارت مالی است؛ همان‌گونه که برای بعضی از حیوانات و کشتن آنها هم دیه تعیین شده است. بنابراین تفاوت دیه، به تفاوت ارزشی زن و مرد مربوط نمی‌شود؛ اگر نه، باید دیهٔ بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مرد، با دیهٔ یک مرد معمولی یکسان نباشد؛ و حالی که دیه یک مرجع تقلید با پسر جوان تفاوتی ندارد. حتی جنین در شکم مادر اگر کشته شود، دیه دارد.

۱. سورة مائده، آیه ۳۲.

اگر گفته شود که زنان امروز با زنان ۱۴۰۰ سال پیش تفاوت دارند؛ و امروز مسئولیت‌های بسیاری به زنان سپرده می‌شود، چرا باز هم دیه آنان کمتر از مردان است؟ باید گفت: قوانین اسلام چون بر مبنای مصالح و مفاسد واقعی است، اختلاف و دگرگونی نمی‌پذیرد. نه واجب و حرامش، نه مستحب و مکروهش و نه مباحش. اسلام دین جاویدان است و تا قیامت حلال و حرامش تغییر نمی‌یابد. در روایت معروف آمده است: «حلال محمد حلال الی یوم القیامة و حرامه حرام الی یوم القیامة».^۱

آری، گاه برخی از احکام دین به عنوان ثانوی و بنابر مصالحی که مراجع تقلید و ولی فقیه تشخیص می‌دهند، تغییر می‌یابد که البته موقت است؛ اما قانون دیه و ارث و امثال آن، از قوانین ثابت و بدون تغییر هستند.

البته نباید گمان کنیم، زنان صدر اسلام مسئولیتی نداشتند. حضور در صحنه جهاد - آن هم حضور پی در پی - و گاه حضور در اجتماع که هنوز بی‌بدیل است، با شرایط امروز قابل مقایسه نیست. در آن زمان نیز دیه حضرت زهرا علیها السلام و خانم زینب علیها السلام از مردان کم بود، اما ارزش کار آنان در دنیا بی‌نظیر است و انبیاء و اولیاء به مقام و منزلت ایشان غبطه می‌خورند. اگر کسی آن حضرت را شهید کرد، هزار بار هم کشته شود، جبران یک ثانیه از زندگی با برکت حضرت زهرا علیها السلام را نمی‌کند. وقتی قرآن درباره افراد عادی بفرماید اگر به ناحق کشته شود، گویی همه مردم کشته شده‌اند^۲؛ قضاوت درباره افراد بزرگی مانند ائمه اطهار علیهم السلام مشخص است.

اما سخن بر سر قانون دیه است؛ یعنی آنچه در برابر جسم پرداخت می‌شود؛ نه در برابر روح. □

□ ارث

چرا ارث زن، نصف ارث مرد است و آیا این با عدالت سازگار است؟

البته این سؤال خیلی عام مطرح شده و در کتب فقهی ما ابعاد مختلفی را برای مسأله ارث - اعم از زن و مرد - ذکر کرده‌اند. ما نیز با توجه به تفاوت اصل تساوی حقوق و نه تشابه حقوق، این پرسش را پاسخ می‌دهیم.^۱

۱. آنچه از احادیث و روایات و نیز منابع فقهی و قانونی ما استفاده می‌شود، این است که همیشه سهم زن، کمتر از سهم مرد نیست. گاهی زن و مرد به طور مساوی ارث می‌برند و گاهی زن تمام ارث را می‌برد.^۲

جهت آگاهی عزیزان خواننده، به طور خلاصه و فشرده به چگونگی سهم ارث زن و مرد اشاره می‌کنیم. در این خصوص البته باید به آیات ۱۱ و ۱۲ و ۱۷۶ سورة نساء، مراجعه و توجه نمود.

الف: گاه زن مانند مرد ارث می‌برد.

۱. برای آگاهی بیشتر ر.ک: زن در آیینه جلال و جمال، جوادی آملی.

۲. ر.ک: رساله‌های عملیه.

۱. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۸۶، ص ۱۴۷؛ به همین مضمون: الکافی، محمد کلینی، ج ۱، ص ۵۸.

۲. سورة مائده، آیه ۳۲.

ب: گاه زن کمتر از مرد ارث می‌برد.

ج: گاه زن بیشتر از مرد ارث می‌برد؛ مثل جایی که میّت، غیر از پدر و دختر، وارث دیگری نداشته باشد؛ که در اینجا پدر یک ششم ارث می‌برد و دختر بیش از آن.

یا اینکه فرزندان میّت، از دنیا رفته باشند، و از آنها فرزندان باقی مانده باشد؛ (یعنی نوّه میّت) که در اینجا نوّه پسر، سهم پسر را می‌برد و نوّه دختری، سهم دختر را. یعنی اگر نوّه دختری، پسر باشد و نوّه پسر دختری باشد، در این حال آن دختر دو برابر این پسر ارث می‌برد.

۲. اگر در مسأله ارث، اختلافی میان زن و مرد وجود دارد، به خاطر برخی مسئولیت‌هایی است که بر عهده مردان گذاشته شده است. امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤالی که چرا ارث مرد، دو برابر ارث زن است، می‌فرماید: «برای آنکه دیّه عاقله، مخارج زندگی، جهاد، مهریه و چیزهای دیگر بر زن واجب نیست، در حالی که بر مرد واجب است».^۱ در روایت دیگری از امام رضا علیه السلام نیز نقل شده است: «زن هنگام ازدواج، مالی را می‌گیرد و مرد مهریه می‌دهد؛ به همین سبب سهم مردان - در ارث - بیشتر شده است».^۲

۳. و در آخر اینکه ممکن است آنچه بیان شد، حکمت ارث نباشد؛ چون خداوند متعال بعد از بیان برخی از ارث‌های متفاوت در سوره نساء، می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾^۳ یعنی شما از علم و حکمت کافی برخوردار نیستید تا راز تفاوت را جست‌وجو کنید، لکن خداوند آگاه و حکیم است و آنچه بیان می‌کند حتماً به مصلحت و نفع شماست. □

□ قضاوت

چرا زنان نمی‌توانند قاضی شوند و حق قضاوت از آنان سلب شده است؟ مگر زن نسبت به مرد کمبود و نقصی دارد؟

۱. همه عقلای عالم می‌پذیرند که عهده دار شدن هر کاری، داری شرط و شروطی است؛ مثلاً برای خدمت در اداره دولتی، بایستی دارای مدرک لیسانس یا فوق لیسانس بود و یا روحیه و قدرت لازم در فرد - نسبت به آن کار - وجود داشته باشد. آیا این یعنی افرادی که این شرایط را ندارند، مرتکب گناه شده‌اند و یا از نظر روحی و جسمی نقص دارند؟! قطعاً خیر.

در مسأله قضاوت زنان نیز همین گونه است.

۲. همان‌طور که قبلاً ذکر کردیم، ملاک برتری، دین و تقوا است و اگر زنی از حق قضاوت منع شد، دلیل آن نیست که در دین و انسانیت کمبود دارد. چه بسا مردان بسیاری نیز از شرایط لازم برخوردار نبوده و از حق قضاوت محروم باشند. این قانون در تمامی دنیا اعمال می‌شود و ایرادی بر آن نیست.

۳. اگر بار قضاوت از دوش زنان برداشته شده است، به دلیل ساختار

۱. علل الشرائع، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۲۹۴، باب ۳۷۱.

۲. ر.ک: وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۲۶، ص ۹۵؛ نقل از: زن از زبان قرآن، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ص ۷۵.

۳. سوره نساء، آیه ۱۱.

جسمی و روحی زنان است که شرایط قضاوت را ندارند. قضاوت شغلی حساس است که معمولاً قاضی با افراد مجرم و بزهکار سر و کار دارد. علاوه بر آن، قاضی باید از بینشی برخوردار باشد که در خصوص مسائل مهم اجتماعی، بتواند مجرمین را با انواع حيله و نیرنگ‌ها بشناسد و فریب نخورد و در مواقعی باید احکامی مانند اعدام، شلاق، زندان، جریمه سنگین مالی و... را صادر کند؛ همچنین در سایر امور قضایی که مناسب با روحیه عاطفی زنان نیست؛ به همین دلیل بیشتر زنان نمی‌توانند چنین کاری را به خوبی انجام دهند. آری، زنان می‌توانند حتی از علم قضاوت برخوردار شوند، مثلاً در مواردی حتی وکیل شوند، ولی نمی‌توانند قضاوت را اجرا کرده و به خوبی از عهده آن برآیند. زن می‌تواند در محاکم قضایی، مشاغل دیگری غیر از رأی دادن و صدور حکم داشته باشد. بدیهی است که این نتوانستن، دلیل بر نقص جسمی یا روحی زن نیست، بلکه آفرینش زن این گونه است؛ که البته در انسانیت زن، چیزی کمتر از مرد قرار داده نشده است. چراکه نظام آفرینش بر اساس عدل و حکمت الهی استوار است.

در این زمینه مانند گذشته، مباحث حقوقی و فقهی فراوانی مطرح است که باید به کتاب‌های تخصصی مراجعه کرد. □

□ مرجعیت

آیا زن هم مانند مرد، می‌تواند مرجع شود؟

پاسخ آن تقریباً همان است که در مسأله قضاوت بیان گردید. مرجعیت، مقامی اجرائی است و شرط رسیدن به آن فقاہت و عدالت می‌باشد و از نظر رسیدن به فقاہت و عدالت، بین زن و مرد فرقی نیست و زن هم می‌تواند فقیه عادل شود.

بنابراین مرجعیت و فقاہت باهم فرق دارند. مرجعیت مانند قضاوت، منزلتی نیست تا اگر زن آن مقام را دارا نشد، برای او نقص روحی و جسمانی محسوب شود؛ کما اینکه برای مردان نیز این مسأله مطرح است. در مرجعیت، ارتباط با مردم و حضور در اجتماع لازم است که اینها در شأن یک زن مسلمان نیست؛ اما در بُعد علمی و معنوی یک زن با مرد هیچ تفاوتی ندارد.

بنابراین پاسخ این است که؛ در کسب فقاہت، عدالت، تهذیب نفس، طی کردن مراحل سیر و سلوک علمی و معنوی، تفاوتی میان زن و مرد نیست؛ و

اینکه برخی می‌گویند «زن نمی‌تواند مرجع شود»، ناشی از عدم آگاهی کافی آنها از مبانی دینی و اسلامی است. مقام علمی و دینی مرجع تقلید است که، احترام‌آور است؛ و در این خصوص، زنان نیز می‌توانند دارای مقام علمی و معنوی بالائی شوند.

نمونه آن، مرحوم بانو مجتهده امین است. او مقام بلند علمی و عرفانی داشت و شاگردان بسیاری تربیت کرده و کتاب‌های تفسیری، فقهی، علمی و عرفانی خوبی از خود به جای گذاردند. شرح حال ایشان در کتابی با نام «بانوی نمونه، جلوه‌هایی از حیات بانوی مجتهده امین اصفهانی» نوشته شده است که بسیار خواندنی و سودمند است. □

□ حق طلاق

چرا اسلام حق طلاق را به زن نداده و آن را در اختیار مرد گذاشته است؟

۱. اسلام چنین حقی را به صورت مشروط، به مرد داده است و اگر آن شرایط محقق نشد، این حق از او سلب می‌شود.

۲. اسلام همین حق و اختیار را به زن نیز داده است؛ به این صورت که زن در ضمن عقد، می‌تواند شرط کند که اگر شوهرش به وظایف اخلاقی و نیز سایر تعهدات خود عمل نکرد، طبق موازین شرعی، زن حق طلاق را داشته باشد.^۱

۳. مهم‌تر آن که: مرد نسبت به زن کم‌تر تحت تأثیر عواطف قرار گرفته و بیشتر قدرت اندیشه دارد؛ لذا در برخی مواقع که اختلاف‌های خانوادگی شدت می‌یابد و موجب ناراحتی و کشمکش‌های شدیدی می‌شود، زن زودتر تحت تأثیر قرار می‌گیرد و ممکن است بر اثر القائات اطرافیان نیز

۱. جهت تفصیل بیشتر ر.ک: نظام حقوق زن در اسلام، مرتضی مطهری رحمته الله علیه و زن از دیدگاه امام، ص ۱۳۱.

زودتر کانون خانواده را بهم زند؛ اما مرد از نظر روحی چنین نیست و تحت تأثیر احساسات تصمیم به امر مهمی مثل طلاق، نمی‌گیرد. همان‌گونه که در مسائل مهم خانوادگی به مرد و نظریه او تکیه بیشتری می‌شود، در این مورد نیز چنین است. □

□ شهادت

چرا شهادت زن با مرد یکسان نیست؟ چرا زنان باید دو نفر باشند، اما مردان یک نفر کافی است؟ و اصلاً چرا در بعضی مواقع شهادت زنان پذیرفته نمی‌شود؟

۱. خداوند در علت آنکه چرا شهادت دو زن را معادل شهادت یک مرد قرار داده است، می‌فرماید: «تا - اگر - یکی از آن دو - زن - فراموش کرد، - زن - دیگر، وی را یادآوری کند».^۱

از نگاه روان‌شناسی، مسئله فراموشی زنان هنگام ادای شهادت، قابل توجیه است؛ زیرا فراموشی با میزان احساسات و هیجان‌های روحی فرد رابطه مستقیمی دارد. هر اندازه شخص تحت تأثیر عواطف قرار بگیرد، حوادث و وقایعی که به خاطر سپرده، زودتر فراموش می‌کند و دقت کمتری در نقل جزئیات آن خواهد داشت و به عقیده برخی دیگر از روان‌شناسان، حیا و عفت یکی دیگر از علل فراموشی اشخاص است.^۲

۱. سوره بقره، آیه ۲۸۲.

۲. ر.ک: فصلنامه کتاب نقد، ش ۱۲؛ به نقل از: زن از زبان قرآن، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ص ۶۸.

زن بنابر فطرت و طبیعتش، بیشترین فعالیت خود را در اداره خانواده و رسیدگی به مسائل اخلاقی و تربیتی فرزندان انجام می‌دهد. علاوه بر آن، در اثر روبه‌رو نبودن با مشکلات اجتماعی، امکان دارد در هنگام شهادت، فراموش کرده و به ناحق شهادت دهد. لذا خداوند حکیم یک زن دیگر را نیز به او ضمیمه کرده تا اگر حافظه یکی از زنان او را یاری نکرد، نفر دوم به کمک او بیاید.

اصولاً این موضوع، منطقی و واقعی هم هست. تجربه نیز گواهی می‌دهد که وقتی انسان با کاری گسترده سروکار دارد، نسبت به جزئیات آن مسئله فراموشی پیدا می‌کند. گرچه این فراموشی نسبت به مردان نیز وجود دارد، ولی درصد این فراموشی در زنان بیشتر است. بر همین اساس است که خداوند، شهادت دو زن را معادل شهادت یک مرد قرار داده است. باید توجه کرد که قرآن کریم به ضعف حافظه زن در مسائل شهادت، اشاره دارد؛ نه ضعف عقل او.

۲. شهادت دادن، شرایطی دارد که بلوغ، عقل، ایمان و عدالت از جمله آن شرایط است و در این شرایط، زن یا مرد بودن مطرح نیست؛ بلکه اگر مرد هم این شرایط را نداشت، شهادتش مورد قبول نیست.^۱ مثلاً در مواردی مانند قتل و زنا باید ۲ یا ۴ مرد شهادت دهند. بنابراین اگر مرد هم این شرایط را نداشت، نمی‌تواند شهادت بدهد. منظور این است که در شرایط، زن یا مرد بودن، در نظر گرفته نشده است.

۳. اگر شهادت زن در مواردی همچون اثبات حکم محارب، لواط، زنا و امثال آن مورد قبول نیست، به دلیل روحیه لطیف زن است که در هنگام وقوع این نوع مسائل حضور ندارد و اصولاً با عفاف و حیای زن سازگاری ندارد که

قاضی او را برای شهادت دادن در دادگاه درباره مسائل فحشاء، دعوت نماید. از سوی دیگر در این‌گونه موارد، شاهد از جانب اشخاص فاسد تهدید می‌شود، در حالی که اکثر زنان جرأت و روحیه ایستادگی در مقابل تهدید افراد فاسد را ندارند.

۴. باید دانست اگر با شهادت زنان، برای قاضی علم حاصل شود، شهادتشان مورد قبول خواهد بود؛ یعنی چنانچه قاضی با شهادت یک زن به آن چه درباره آن شهادت داده، یقین حاصل کند، شهادتش پذیرفته خواهد بود. بنابراین در چنین مواردی، تفاوتی میان زن و مرد نیست.

۵. گاه نیز فقط شهادت زنان پذیرفته می‌شود و به سخن مردان چندان اعتنایی نمی‌شود؛ مانند مسائلی که به زنان مربوط می‌شود. □

فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ^۱؛ پس بشارت ده به آن بندگان من که: به سخن گوش فرا می‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند.

با این مقدمه، می‌گوییم:

۱. اینکه گفته‌اند با زنان مشورت نکنید، مربوط به امور اجتماعی و سیاسی و بعضی از مسائل فرهنگی است؛ چراکه ارتباط زنان با جامعه و مسائل آن در مقایسه با مردان بسیار کمتر است و طبیعی است که آگاهی کمتری داشته باشند. مشورت در جایی است که مشاور انسان آگاهی بیشتری از زوایای آن موضوع داشته باشد. از همین رو در برخی روایات همین که از مشورت با زنان نهی شده، استثنائی قائل می‌شود: «پرهیز از مشورت با زنان، مگر آنانی که کمال عقلشان آزموده و اثبات شده است».^۲

۲. این نکته در مورد مردان هم صادق است و همه آنان شایستگی مشورت ندارند و در بسیاری از روایات به این مسأله تصریح شده است. به عنوان نمونه امام علی علیه السلام در نامه^۳ به مالک اشتر، می‌فرماید: «با افراد بخیل، ترسو و حریص مشورت نکن»^۳ و بیان می‌دارند که هر کدام به دلیل نقطه ضعفی که دارند، مانع رسیدن تو به حقیقت می‌شوند.

نکته ظریف آن است که در بسیاری از مشاغل و اموری که مربوط به زنان است، مشورت با مردان سودی ندارد و نیازی به نهی پیامبر و امام هم نیست، چراکه عقل هم از چنین کاری منع می‌کند.

۳. در قرآن کریم، درباره بعضی از مسائل توصیه به مشورت با زنان شده است؛ مانند مشاوره پدر و مادر در مورد گرفتن کودک از شیر.^۴ یا در روایتی از

□ مشورت

چرا برخی از احادیث، از مشورت با زنان منع کرده‌اند؟ آیا این سخن درست است و اگر هست، چگونه توجیه می‌شود؟

مشورت هم جزئی از مسایل عقلی است که در پاسخ به شبهه نقصان عقل زن توضیح داده‌ایم؛ اما با این حال از بُعد دیگری به مسأله نگاه می‌کنیم: در دستورالعمل کلی، قرآن کریم به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز که معصوم است و مُبَيَّن احکام شریعت است، توصیه به مشورت می‌کند:

وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ^۱؛ در کار - ها - با آنان مشورت کن.

در جای دیگر در توصیف مؤمنان و ویژگی‌های آنان می‌فرماید:

وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ^۲؛ کارشان در میانشان مشورت است.

در جایی دیگر خداوند شنیدن سخنان دیگران و انتخاب بهترین نظر را از ویژگی مؤمنان بر می‌شمارد و می‌فرماید:

۱. سوره زمر، آیه ۱۷ و ۱۸.

۲. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۱۰۳، ص ۲۵۳.

۳. نهج البلاغه، سید رضی، نامه ۵۳.

۴. سوره بقره، آیه ۲۳۳.

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.

۲. سوره شوری، آیه ۳۸.

رسول اکرم ﷺ آمده است: «در امور مربوط به دخترانتان، با زنان خود مشورت کنید.»^۱ آن حضرت خود هنگام خواستگاری حضرت علی (ع) از حضرت فاطمه (ع)، با دخترش مشورت کرد.^۲

مشورت با زنان جز در مسائل خاص سیاسی و اجتماعی و مسائلی که مربوط به مردان می شود، در هیچ موردی منع نشده است و بلکه در برخی موارد واجب است با زنان مشورت شود، چون آنان می توانند در آن موضوع بهتر از مردان نظر دهند.

بنابراین، روایتی که مردان را از مشورت با زنان نهی می کند، مربوط به زنان ناآگاه نسبت به مسائل اجتماعی و نیز زنان دل بسته دنیاست. اما زنانی که به تعقل رو می آورند و به دنبال کشف حقایق هستند، شایسته مشورت اند. □

□ قیومت مردان

در قرآن آمده است: ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ﴾.^۱ این آیه به طور صریح مردان را برتر از زنان می داند. پاسخ چیست؟

۱. اعضای جامعه مانند اعضای پیکر یک انسان است. هر یک از اعضا و جوارح مسئولیتی دارد که عضو دیگر آن مسئولیت را ندارد. به عنوان مثال: وظیفه مغز مدیریت و صدور فرمان است. مسئولیت قلب، پمپاژ خون و رساندن اکسیژن به تمامی سلول های بدن است. چشم وظیفه دیگری دارد، زبان و گوش نیز وظیفه دیگری. هر کدام از این ها اگر به طور مستقل ملاحظه شوند، اهمیت بالایی دارند. هرچند هیچ کدام جای دیگری را نمی گیرند، اما از اهمیت خودش هم چیزی کاسته نمی شود.

اینکه می گوئیم کسی بر کسی برتری ندارد جز با تقوا، به معنای این نیست که همه انسان ها در همه شرایط و در همه مسئولیت ها برابرند. زنان یک

۱. نهج الفصاحه، ج ۷؛ به همین مضمون، کنز العمال، تقی هندی، ج ۱۶، ص ۳۱۱؛ نقل از: حقوق فرزندان در

مکتب اهل بیت (ع)، محمد جواد طبسی، ص ۳۰۴ و ۳۰۵.

۲. ر.ک: بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۴۳، ص ۱۳۶.

۱. سورة نساء، آیه ۳۴: مردان، سرپرست زنانند، به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و - نیز - به دلیل آنکه از اموالشان خرج می کنند.

مسئولیتی دارند، مردان مسئولیتی دیگر. از میان مردان، یکی پزشک است، یکی نانوا، یکی مکانیک، دیگری استاد دانشگاه. همه به یکدیگر نیازمند هستند تا این پیکر بتواند به سلامت به مقصد برسد. امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید: «مردم اگر مساوی باشند، هلاک می‌شوند».^۱

خانواده، عضو کوچکی از جامعه است. باید وظایف و مسئولیت‌ها تقسیم و مشخص شوند. یکی مدیر کل شود و دیگری مدیر داخلی. مهم این است که این تقسیم وظیفه - که کدام مدیر کل باشد و کدام مدیر داخلی - درست انجام پذیرد. ما معتقدیم آفرینش خداوند به گونه‌ای است که مدیریت کلی مناسب مردان و مدیریت داخلی که تربیت فرزندان و اداره کردن امور خانه است، مناسب زنان است. یعنی اگر به اینان چنین مسئولیتی سپرده شود، می‌توانند از عهده آن بر آیند.

﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ﴾ به معنای تبعیض نیست، بلکه همان گونه که جامعه بزرگ نیاز به رهبر دارد، جامعه کوچک خانواده نیز نیازمند مدیر است. اگر کسی مدیر شد، دلیل بر پستی و درجه دو بودن دیگران نمی‌شود. چه بسا افرادی در تقوا برتر باشند، ولی مدیر نباشند.

هرچند از آیه، می‌توان فهمید که این حکم، عمومیت دارد و مدیریت در اجتماع با کسی است که شرایط جسمی و روحی بهتری مثل تحمل کارهای سخت و شجاعت و... را داشته باشد.

﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ﴾ به معنای عجز و ناتوانی زنان نیست؛ این آیه اشاره به بعد روانشناسی زنان دارد که می‌گوید زن عاجز نیست، بلکه نیازمند است. او به تکیه‌گاه محتاج است تا بتواند زندگی بهتری داشته باشد. آفرینش او چنین ایجاب می‌کند و هیچ ایرادی هم بر آن نیست. □

□ نقصان عقل زن

چرا در بعضی روایات اسلامی، زن مذمت شده و او را ناقص‌العقل معرفی کرده‌اند؟

۱. به طور کلی باید گفت: همه مدح و مذمت‌ها مقطعی هستند؛ به عنوان مثال می‌گویند فلان شهر بسیار خوب است، مردمانش همان‌نواز هستند و... ولی همین شهر ممکن است چند سال بعد، از بدترین شهرها محسوب شود. پس نمی‌توان حکم کلی کرد؛ مثلاً در جائی که حضرت امیرالمومنین علیه السلام در خصوص زنان، آنان را ناقص‌العقل یا ناقص‌الایمان معرفی می‌کنند، به خاطر روی دادن جنگ جمل بود که سرپرستی و فرماندهی این جنگ بر عهده عایشه بود.^۱ طبیعی است کسانی که در مقابل ولی مطلق خداوند، می‌ایستند و جسارت می‌کنند، مورد مذمت بوده و از ایمان واقعی و عقل حقیقی برخوردار نیستند و در این مورد، مرد یا زن فرقی نمی‌کند. همچنان که ایشان، مردان کوفه را - حتی طلحه و زبیر که از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودند - نکوهش می‌کنند.

۱. «معاشر الناس! ان النساء نواقص الايمان نواقص الحفظ نواقص العقل»؛ نهج البلاغه، خطبه ۸۰.

۱. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۷۳، ص ۳۸۳.

یا سخنانی که امام علی علیه السلام در نکوهش شهر کوفه و مردم آن زمان فرموده بودند؛ در حالی که امروزه در همین کوفه، مردم به انتظار حضرت مهدی علیه السلام می‌نشینند و در مسجدی که بدین منظور بنا شده، به راز و نیاز می‌پردازند؛ فضیلت‌ها و ثواب‌های بسیاری در اعمال آن مسجد ذکر کرده‌اند، که همگی نشان‌دهنده عظمت آن شهر و مردمان آنجاست. آیا می‌توان گفت که چون در هزار و چند سال قبل حضرت علی علیه السلام این مردم را نکوهش نموده‌اند، حالا هم مذمت کنیم؟! آیا کسی که مدتی پیش کافر بوده و حالا مسلمان شده، حکم کافر را بر او جاری می‌کنیم؟ به یقین چنین نیست؛ همان‌طور نسبت به مسلمانی که کافر شود. در این صورت نمی‌توان حکم مسلمان را بر وی جاری کرد؛ چون حالت سابقه او از بین رفته است.

در هر صورت درباره خلقت آفرینش، چنین حکمی کلی نیست؛ و معیار در قضاوت، حال فعلی افراد و اشخاص و اماکن است.

۲. نکته مهم دیگر آنکه بر اساس تجربه‌های علمی، هیجان زنان بیش‌تر از مردان است، اما عقل آنها، هرگز کمتر از مردها نیست؛ بلکه تعقل آنها (یعنی بهره‌گیری از عقل) کمتر است و این به علت هیجان و احساسی‌تر بودن زنان نسبت به مردان است.

خانم «کلیو دالسون» یکی از روان‌شناسانی است که در این زمینه تحقیقات فراوانی انجام داده است. او می‌گوید: «به این نتیجه رسیده‌ام که خانم تابع احساسات و آقایان تابع عقل هستند».^۱ هر چند این محقق روان‌شناس، این امر را نقطه ضعف زنان می‌داند، اما از دیدگاه اسلامی، برای زندگی اجتماعی و تقسیم وظایف، چنین اختلافاتی لازم است. اگر خانم‌ها

لبریز از احساسات نباشند، آیا در تربیت فرزندان موفق خواهند بود؟ به قول افلاطون مادران با همان دستی که گهواره را تکان می‌دهند، با دست دیگر جهان را تکان می‌دهند؛ و به فرموده حضرت امام خمینی رحمه الله «از دامن زن، مرد به معراج رود». اگر زن لبریز احساسات نباشد، چگونه فرزند سالم و بانشاط را تربیت کند و تحویل جامعه دهد؟ نباید کار مردانه را از زنان انتظار داشت.

در قرآن به این مسأله تصریح شده و فرموده است:

وَلَا تَتَّبِعُوا مَا فُضِّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ^۱؛ و آنچه را خداوند به - سبب - آن، بعضی از شما را بر بعضی - دیگر - برتری داده آرزو مکنید.

۳. بنابر نظر برخی بزرگان،^۲ ما دو نوع عقل داریم: عقل نظری و عقل عملی. انسان با عقل نظری می‌فهمد و با عقل عملی عمل می‌کند. عقلی که می‌توان علوم حوزوی و دانشگاهی را فراگرفت و با آن دنیا را چرخانید، عقل نظری است و تئیت، اخلاق، اراده، محبت، تولی، تبری، تقوا، عدل و.. جزو عقل عملی است؛ و همین عقل هم معیار فضیلت انسان است. عقل نظری، نشان علم انسان و عقل عملی معیار کرامت و افضلیت است که در قرآن آمده: إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَى^۳؛ در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا، پرهیزکارترین شماست.

عقلی که در زن و مرد متفاوت آفریده شده، عقل اجتماعی (نحوه مدیریت در مسائل سیاسی، اقتصادی، و کارهای اجرایی) است. عقلی که به همه یکسان داده شده است، همان عقل عملی است که معیار فضل و قرب به خداست که درباره آن فرموده‌اند: «خداوند رحمان به وسیله آن عبادت

۱. سوره نساء، آیه ۳۲.

۲. نظریه آیت الله جوادی آملی. ر.ک: فطرت در قرآن، ص ۲۹ و ۳۰؛ نقل از: توصیه‌ها، پرسش‌ها و پاسخ‌ها.

عبدالله جوادی آملی، ص ۱۵۴.

۳. سوره حجرات، آیه ۱۳.

۱. ر.ک: فصلنامه کتاب نقد، ش ۱۷، ص ۶۴؛ نقل از: پرسش‌ها و پاسخ‌های برگزیده (پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ج ۷).

گروه محققان، ص ۲۶۰.

می شود و بهشت به سبب آن به دست می آید».^۱

یعنی این طور نیست که هر کس مسائل ریاضی، فیزیک، طب، و... را بفهمد، به خدا نزدیک تر است. چه بسا مردی بهتر از زنان این مسائل را بفهمد، ولی از نظر ایمان ضعیف تر باشد.

مخالفان و دشمنان رسولان و امامان، هیچ کدام بی عقل نبودند! کسانی هم که ادعای نبوت و امامت می کردند، نیز عاقل بودند؛ این را نوعی زیرکی و زرنگی می دانستند؛ مانند معاویه و عمر و عاص که در زیرکی آنها کسی تردیدی به خود راه نمی داد، اما تقوای الهی نداشتند و از هر وسیله ای برای رسیدن به مقاصد شوم خود استفاده می کردند. مأمون که در زمان امام رضا علیه السلام خلیفه بود، از علاقه مندان به مذاهب و علوم و ادیان مختلف بود. مجالس مناظره ترتیب می داد و خودش شرکت می کرد. علم دوست بود، اما این ها منجی او نشد؛ بلکه معیار تقوا و دین داری بود که او بهره ای نداشت.

قرآن شریف درباره فرعون و فرعونیان می فرماید: «با آنکه دل هایشان به حق یقین داشت، اما به علت ظلم و تکبر آن را انکار کردند».^۲ یعنی فرعون می دانست خدا نیست، ولی می گفت «أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى». می دانست موسی علیه السلام بر حق است، اما مخالفت می کرد. و از طرف دیگر، چه بسا زنانی که الگوی مردان هم قرار گرفته اند؛ مانند همسر فرعون.^۳ پس مراد از نقصان عقل زنان، عقل نظری است که آن هم معیار و ملاک برتری نیست.

بنابراین نکوهش ها مربوط به اصل وجودی زن نیست، زیرا در قرآن کریم زن و مرد، هر دو موجودی کامل بوده و در انسانیت بین زن و مرد تفاوتی قائل نشده است. □

□ اجازه دختر در ازدواج

چرا اجازه پدر برای دختر در امر ازدواج شرط است، ولی برای پسر چنین نیست؟

۱. اجازه پدر در مواردی استثنا شده است؛ مانند:

- زنی که یکبار شوهر کرده و اکنون بیوه است.

- مواردی که پدر، بدون اختیار دختر، وی را شوهر داده است؛ که در این

صورت، عقد صحیح نیست.

- آنجائی که دختر یا پسر، بالغ، عاقل و رشید باشند و از نظر اجتماعی، به اندازه ای از رشد فکری رسیده باشند که بتوانند خودشان سرنوشت خویش را انتخاب کنند. در این صورت نیز دخالت پدر یا هر فرد دیگری در این خصوص و بدون توجیه عقلی و منطقی ممنوع است.

- در جائی که دختر می داند که پدر، از موقعیت خود سوء استفاده کرده و

مصالح و سعادت دخترش را در نظر نمی گیرد و به خاطر اغراض شخصی

برای ازدواج دخترش تصمیم می گیرد؛ که در این صورت نیز با اجازه حاکم

۱. «العقل ما عید به الرحمان و اکسب به الجنان»؛ الکافی، محمد کلینی، ج ۱، ص ۱۱.

۲. سوره نمل، آیه ۱۴.

۳. سوره تحریم، آیه ۱۱.

شرع، دختر می‌تواند این اختیار را از پدر سلب کند.^۱

۲. معمولاً دختران در سنین ازدواج (۱۸ تا ۲۵ سالگی) دچار احساسات هستند و ممکن است تصمیم آنان بر اساس عاطفه باشد تا عقل! اما پدر با کوله‌باری از تجربه، سعادت و خوشبختی دخترش را می‌خواهد و دوست دارد دختری که با سختی‌های بسیاری بزرگ کرده، با کسی ازدواج کند که از نظر دینی و اخلاقی و نیز موقعیت اجتماعی مناسب باشد. و چون پدر بیش از دختر، از وضعیت اجتماع باخبر است و مردان را از نظر اخلاقی و اجتماعی بهتر می‌شناسد، خداوند این حق را به او داده تا دخترانی که آگاهی کافی ندارند و در شرایط ذکر شده قرار نگرفته‌اند، اجازه پدر را به عقد خود ضمیمه کنند.

□ فعالیت اجتماعی زنان

چرا خداوند در قرآن، خانه را بهترین مکان برای زن دانسته است؟ چرا در برخی روایات زنان از رفتن به مسجد منع شده و مسجد زن، خانه دانسته شده است؟ از طرف دیگر چرا علما زنان را به حضور در اجتماع تشویق می‌کنند؟

پاسخ کلی بخش اول پرسش، در قرآن کریم چنین بیان شده است:

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى^۱؛ و در خانه هایتان قرار بگیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینتهای خود را آشکار نکنید.

زنان دوران جاهلیت حجاب درستی نداشتند و زینت خود را آشکار می‌کردند. آنچه روی سر می‌انداختند، تنها پشت سرشان را می‌پوشانید و گلو و گوشواره و زینت‌های دیگرشان نمایان بود. حضور آنان در مجالس میهمانی و عروسی‌ها، بر اساس معیارهای اخلاقی نبود. بنابراین معنای آیه این نیست که اصلاً از خانه خارج نشوند، بلکه به درستی خارج شوند. همان‌گونه حضرت زهرا علیها السلام و برخی زنان مؤمن پیامبر صلی الله علیه و آله به هنگام ضرورت در

۳. دیگر اینکه: پدر می‌گوید: «در این مورد ازدواج نکن»؛ ولی نمی‌تواند بگوید در این مورد حتماً ازدواج بکن. یعنی پدر حق سلبی دارد، نه حق ایجابی؛ پدر در این زمینه، حق نهی دارد، نه حق امر؛ یعنی اجباری در ازدواج نیست و در این مورد خود دختر است که مسئولیت زندگی خود را به عهده می‌گیرد؛ اما در مواردی که پدر تشخیص می‌دهد آینده دختر با ازدواج با فلان شخص، از بین می‌رود و یا تیره بخت می‌شود، می‌گوید با این فرد ازدواج نکن. در عین حال حق انتخاب را از دختر سلب نمی‌کند.

۴. در نهایت اینکه عملکرد پدرانی که به دختران خود ستم کردند و جاهلانه و یا ظالمانه موجب بدبختی زندگی دخترشان شده‌اند، نباید بهانه‌ای باشد که ما بر اصل این قانون ایراد بگیریم. ایراد از مسلمانی ماست، نه از قانون اسلام. البته بسیاری از دختران هم بوده و هستند که اگر نظر پدرشان نبود، خوشبخت و سعادتمند نمی‌شدند. □

۱. سوره احزاب، آیه ۳۳.

۱. ر. ک: رساله‌های عملیه مرجع تقلید و نظام حقوق زن در اسلام، مرتضی مطهری.

اجتماع حضور پیدا می‌کردند.

دربارهٔ بخش دوم سؤال که چرا زنان از حضور در مساجد منع شده‌اند، به ص ۱۰۳ مراجعه کنید.

و پاسخ بخش سوم، با توجه به نکته آغازین روشن است. مراجع تقلید با توجه به حفظ عفت زنان که فلسفه اصلی ماندن زنان در خانه است، اجازه خروج از خانه را داده‌اند.

در جایی که ممنوعیت خروج از خانه بیان شده است، بهترین حالت را بیان می‌کند. همان‌گونه که حضرت زهرا علیها السلام فرمود: «خیر للنساء أن لایرن الزجال و لایراهن الزجال»^۱؛ بهترین زنان کسانی هستند که نه آنها مردان را ببینند و نه مردان آنها را ببینند. اما در شرایط خاص و مواقع ضروری، خروج از خانه ایرادی ندارد و گاه لازم است؛ هم‌چنان‌که حضرت زهرا علیها السلام و زینب علیها السلام چنین کردند. □

□ چند همسری مردان

چرا اسلام برای مردان این اختیار و امکان را داده است که بتواند تا ۴ همسر اختیار کنند؟ آیا این ظلم به زنان - مخصوصاً همسر اول - نیست؟ اسلام چه راهی برای جلوگیری از سوء استفاده از این قانون برای مردان هوسران پیش‌بینی کرده است؟ این سؤال، شامل سه موضوع است: چرایی تعدد زوجات، تبعیض میان زنان و مردان در تعدد همسر، و راه جلوگیری از سوء استفاده مردان از این قانون. این مسأله دستاویزی برای برخی از زنانی که ادعای دفاع از حقوق زن دارند، شده و طی ده سال گذشته موضوع بسیاری از فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی شده؛ که تنها به اعتراض و طرح مسأله بسنده کرده و با سیاه‌نمایی، سعی کرده‌اند این قانون اسلام را ظالمانه تلقی کنند و به خودشان اجازه دهند به طور رسمی در کتاب‌ها و نشریات و فیلم‌ها بدون هیچ کوششی در حل درست این مسأله، مطرح کنند.

دربارهٔ چرایی تعدد همسر مردان، باید گفت: قوانین اسلام بدون حساب و کتاب نیست و بر اساس نیازهای واقعی و مصالح انسان بنا شده است. تعدد

۱. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۲۰، ص ۶۷.

زوجات - که شامل ازدواج موقت و دائم می شود - خالی از حکمت نیست:

۱. زنان در سنین معینی (تقریباً پنجاه سالگی) زندگی زناشویی را ترک می کنند؛ در حالی که مردان گاه تا هشتاد سالگی، این آمادگی را دارند.

۲. زنان در مواقع متعددی (مانند عادات ماهیانه و بخشی از زمان دوران حاملگی)، عملاً ممنوعیت زناشویی دارند؛ در حالی که در مردان ممنوعیتی وجود ندارد.

۳. بسیاری از زنانی که شوهران خود را از دست می دهند، نمی توانند به عنوان همسر اول مورد توجه مردان قرار گیرند. مسأله تعدد زوجات این امکان را فراهم می آورد که آنان به عنوان همسر دیگر مرد، امکان تشکیل خانواده داشته باشند.

۴. وقوع جنگ های متعدد در صدر اسلام؛ که مردان خانواده به شهادت می رسیدند و زنان بسیاری بیوه می شدند و بدون سرپرست باقی می ماندند.

۶. گاه زن نازاست و موجب می شود مرد، همسر دیگری اختیار کند.

و موارد دیگری که نیازی به ذکر آنها نیست.

راه حلی بهتر از ازدواج مشروع به نظر نمی رسد. اینکه مرد بتواند - البته با رعایت شرایط - چند همسر داشته باشد.

این امر باعث جلوگیری از فسادهای اخلاقی نیز می شود. هم چنان که در بسیاری از کشورها، به دلیل ممنوعیت تعدد زوجات، فساد اخلاقی فراگیر شده است. «جان دیون پورت» نویسنده انگلیسی در کتاب **عذر به پیشگاه محمد ﷺ و قرآن** به صراحت می گوید: «در اشاعه زنا و فحشا بین ملت های مسیحی مذهب، هیچ عاملی نیرومندتر از تحریم تعدد زوجات به وسیله کلیسا نبوده است».^۱ هرچند - در غرب - زن و مرد هر دو از ارتباطاتی که با

۱. پرسش های شما، پاسخ های میزان، علیرضا اسد الهی فرد، ج ۱، ص ۱۵۰.

شریک جنسی شان دارند، راضی اند و گاه در شب عروسی، خانواده دختر افتخار می کنند که دخترشان از روابط عمومی خوبی برخوردار است و چندین دوست پسر دارد!

اسلام با در نظر گرفتن شرایطی، این اختیار را به مرد داده تا برای حل مشکلات فوق، همسر دیگری برگزیند. «گوستاولوبون» مورخ مشهور فرانسوی در کتاب **تاریخ تمدن اسلام و عرب**، قانون تعدد زوجات اسلام را - که به صورت محدود و مشروط است - یکی از مزایای این آیین می شمارد.^۱ البته سوء استفاده برخی مردان از این قانون، قابل انکار نیست؛ اما اولاً این عیب از قانون نیست؛ اگر قانون هم نمی گفت، آنان به دنبال هوس خود بودند. ثانیاً کدام قانونی است که افراد سود جو از آن بهره برداری و سوء استفاده نکرده اند؟

رعایت عدالت مهم ترین شرط

قرآن شریف، تعدد زوجات را با شرایط سنگین و در حدود معینی مجاز شمرده است. بنابراین نباید کسی گمان کند مرد می تواند بدون هیچ قید و شرطی تا ۴ همسر اختیار کند. شرایط و صلاحیت مرد برای چنین امری، باید در نظر گرفته شود.

شرط مهم، برقراری عدالت میان همسران در ازدواج دائم است. خداوند می فرماید: «هر چه از زنان - دیگر - که شما را پسند افتاد، ۲، ۳، ۴ نفر به زنی گیرید. پس اگر بیم دارید که به عدالت رفتار نکنید، به یک - زن آزاد - یا به آنچه - از کنیزان - مالک شده اید - اکتفا کنید - این - خودداری - نزدیک تر است تا به ستم گرایید - و بیهوده عیال وار گردید -».^۲

۱. ر.ک: تاریخ تمدن اسلام و عرب، ترجمه فخر گیلانی، ص ۵۰۹؛ نقل از: یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ.

مکارم شیرازی، ص ۴۸۵.

۲. سوره نساء، آیه ۳.

منظور از رعایت عدالت، یکی مربوط به مسئله زناشویی است و دیگر در مورد پرداخت نفقه و هزینه زندگی همسران و فرزندان است؛ که جز برای مردان باسواد و فهمیده که دارای مال فراوانی هستند، میسر نیست.

رعایت عدالت، در زمان‌های گذشته که امکانات زندگی ساده بود و کارها محدود و فرصت‌ها بیشتر، امکان‌پذیر بود و لذا مشکلی در گرفتن همسران متعدد برای مرد وجود نداشت؛ اما به مرور زمان، مشکلات متعدد اقتصادی و بالا رفتن سطح توقعات، موجب شد رعایت عدالت - که شرط اصلی تعدد زوجات است - بسیار مشکل شود. بنابراین باید مردان با توجه به این موضوع اقدام به ازدواج نمایند؛ نه بر اساس هوی و هوس؛ چراکه جز دردسر برای خود و دیگران نتیجه‌ای به بار نخواهد آورد.

بسیاری هستند که با تشکیل زندگی چند همسری، باعث بروز مشکلات بسیاری به خصوص مشکلات روحی (مانند سوء خلق، عصبانیت، افسردگی، عدم اعتماد و امنیت، بدبینی و...) برای همسران دیگر و فرزندان‌شان و حتی نسل بعدی شده و آنان بدون توجه به این مشکلات، تنها به خواسته و هدف خود می‌اندیشند. هرچند راه برون رفت از چنین مشکلاتی گاه طلاق است، اما عموم زنان به علت آبرو و سرنوشت فرزندان و سایر جوانب فردی و اجتماعی، به اصطلاح می‌سوزند و می‌سازند.

در این میان عده‌ای دیگر نیز هستند که با اختیار چند همسر، به زندگی شان لطمه‌ای وارد نمی‌آید و با تدبیری که در پیش می‌گیرند، عدالت همه جانبه اقتصادی، عاطفی و تربیتی و... را نسبت به همسران خود رعایت می‌کنند و آسیبی به هیچ‌کدام از همسران و فرزندان آنان وارد نمی‌آید. و این مسئله نشان‌گر آن است که در قانون ایرادی نیست و هر چه هست در شیوه زندگی و برنامه‌ریزی و توانایی روحی و مالی و آگاهی مردان است.

بنابراین این امر امکان وقوعی دارد و نباید گفت «عدالت همه جانبه محال است». آری؛ سخن اینان درباره عدالت در مهر و عاطفه قلبی درست است. انسان یک دل دارد و آن را به یک کس می‌سپارد. قرآن تصریح می‌کند: «و شما هرگز نمی‌توانید میان زنان عدالت کنید، هر چند - بر عدالت - حریص باشید! پس به یک طرف یکسره تمایل نورزید تا آن - زن دیگر - را سرگشته (=بلا تکلیف) رها کنید.»^۱

در جایی دیگر می‌فرماید:

مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِيْ جَوْفِهِ^۲؛ خداوند برای هیچ مردی در درونش دو دل ننهاده است.

آن عدالتی که اسلام به آن امر کرده، محبت دررونی نیست؛ بلکه رعایت عدالت در جنبه‌های عملی و خارجی است؛ و این نکته از بیان امام صادق (ع) استفاده می‌شود که فرمود: «منظور از عدالت در آیه ۳ سوره نساء، عدالت در نفقه و رعایت حقوق همسری و شیوه رفتار و کردار است، و منظور از عدالت در آیه ۱۲۹ که امری محال شمرده شده، عدالت در تمایلات قلبی است».^۳

بنابراین راه اعتراض بسته است که بگوییم: «خداوند در یک‌جا اجازه داده مرد تا ۴ همسر اختیار کند به شرطی که عدالت را رعایت کند، اما در جایی دیگر گفته است نمی‌تواند عدالت را رعایت کند. این یعنی: تعدد همسر جایز نیست».

پاسخ بخش دوم سؤال هم این است که قانون هر چه هم خوب باشد، باز باید ضمانت اجرا داشته باشد تا مفید باشد. اسلام در مواردی مانند جرایم، جنایات و تجاوز به حقوق دیگران، این حق را به حکومت داده و در واقع او را

۱. سوره نساء، آیه ۱۲۹.

۲. سوره احزاب، آیه ۴.

۳. ر.ک: تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۲۰؛ نقل از: تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج ۴، ص ۱۵۵.

موظف کرده است از حق مظلوم دفاع نماید. در تعدد زوجات نیز، چنانچه این امر باعث تعدی و ظلم به زن باشد و حیثیت و حقوق زن نادیده گرفته شود یا مورد تجاوز قرار بگیرد، حکومت حق دارد از سوء استفاده مرد جلوگیری نماید.

البته اجرای دستورات اسلام و جلوگیری از ظلم و تعدی به حقوق دیگران، در صورتی قابل اجراست که حکومتی اسلامی - مانند انقلاب اسلامی ایران - تشکیل شده باشد؛ اگر نه پیش از انقلاب و یا در زمان‌های گذشته، بودند مردانی که از قانون سوء استفاده می‌کردند و حقوق زنان را پای مال می‌کردند و کسی جلودار آنان نبود. پس از ازدواج، - به خصوص موقت - همسران خود را رها می‌کردند و قانونی پی‌گیر آنان نبود. نه در این مورد، بلکه چه ظلم‌ها و جنایت‌هایی که نمی‌شد و کسی نبود قانون اسلام را اجرا نماید و حق مظلوم را از ظالم بازگیرد.^۱ □

□ چند همسری زنان

چرا زنان نمی‌توانند مانند مردان تا ۴ همسر اختیار کنند یا ازدواج موقت هم‌زمان داشته باشند؟

۱. تجربیات و تحقیقات علمی می‌گوید: میل جنسی در مردان بیش از زنان است. این امر مربوط به زمان خاصی نیست؛ بلکه همیشه اینگونه بوده است. حتی در میان حیوانات نیز این موضوع صادق است که همواره جنس نر، متظاهر و آغازگر است. این معقول نیست که طبیعت، نیروی تولید را به مردان بدهد ولی آنان را از تولید مثل منع کند.

۲. تعدد همسر در مورد زنان - بر خلاف مردان - مشکلات حقوقی و اجتماعی ایجاد می‌کند. ساده‌ترین و اولین مشکل، درباره‌ی معلوم نبودن اصل و نسب فرزند است. که مشخص نمی‌شود مربوط به کدام یکی از شوهران است. در پی این مسأله، مشکلات ارث و سرپرستی و... پیش می‌آید. روان‌شناسان نیز معتقدند: فرزندی که پدرش مجهول باشد، کمتر مورد مهر مادری قرار می‌گیرد. چنین فرزندی از محرومیت عاطفی برخوردارند و از

۱. ر.ک: پرسش‌های شما، پاسخ‌های میزان، علیرضا اسداللهی فرد، ج ۱، ص ۱۴۰ - ۱۶۱؛ یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، مکارم شیرازی، ص ۴۸۲ - ۴۸۷.

۵. چرا زنان نمی‌توانند قاضی شوند؟

- الف: به دلیل ساختار روحی و جسمی □
 ب: به دلیل عدم علم و آگاهی لازم □
 ج: به دلیل ضعف و ناتوانی زن □
 د: الف و ب □
 ۶. زن نمی‌تواند..... باشد، اما می‌تواند..... باشد.

- الف: مرجع - فقیه □
 ب: مقام علمی و معنوی - مرجع □
 ج: فقیه - مرجع □
 د: فقیه - عالم و عادل □

۷. دلیل قرآنی بر اینکه چرا برای شهادت، به دو زن نیاز است، چیست؟

- الف: همکاری □
 ب: فراموشی □
 ج: پشتوانه قوی □
 د: اطمینان □

۸. چرا گفته‌اند با زنان مشورت نکنید؟ منظور چیست؟

- الف: منظور زنان احساسی است □
 ب: منظور زنان ناآگاه است □
 ج: منظور امور اجتماعی، سیاسی است □
 د: ب و ج □

۹. «الرجال قوامون على النساء» (مردان سرپرست زنان اند)، بیانگر چه نکته‌ای است؟

- الف: رهبری و هدایت مردان □
 ب: اعمال قدرت و ریاست بر زنان □
 ج: مدیریت داخلی خانواده □
 د: عجز و ناتوانی زن □

۱۰. منظور از اینکه زنان ناقص‌العقل هستند، چیست؟

- الف: چون احساسی‌تر هستند □
 ب: منظور عقل اجتماعی و عملی است □
 ج: منظور عقل نظری است □
 د: هیچ‌کدام □

۱۱. پدر، در ازدواج دختر حق..... دارد، نه حق..... .

- الف: سلبی - ایجابی □
 ب: ایجابی - سلبی □
 ج: مشورت - نظر □
 د: مشورت - دخالت □

۱۲. مهمترین شرط تعدد همسر برای مردان عدالت است. منظور از عدالت چیست؟

- الف: عدالت در فرزند آوردن □
 ب: عدالت در محبت □
 ج: عدالت در زناشویی، دادن نفقه و اخلاق و رفتار □
 د: همه موارد □

۱۳. حجاب امری است.

سؤالات آزمون کتاب خوانی

«چرا زن شدم؟»

سؤالات تستی:

۱. معیار برتری انسان‌ها در نظر خداوند چیست؟

- الف: مرد بودن □
 ب: با تقوا بودن □
 ج: مفید بودن □
 د: افتخارات و امتیازات بیشتر داشتن □

۲. حقوق زن در قرآن، در چه موضوعاتی مطرح شده است؟

- الف: حقوق خانوادگی (همسری و مادری) □
 ب: حقوق سیاسی □
 ج: حقوق اقتصادی و اجتماعی □
 د: همه موارد □

۳. تفاوت‌های میان زن و مرد به چه دلیل است؟

- الف: باعث تکامل یکدیگر باشند □
 ب: محتاج یکدیگر باشند □
 ج: الف و ب □
 د: هیچ‌کدام □

۴. چرا دیهٔ مرد بیشتر از زن است؟

- الف: مرد ارزش بیشتری دارد □
 ب: مرد مسئولیت بیشتری دارد □
 ج: مرد مهم‌تر از زن است □
 د: همه موارد □

الف: شخصی □ ب: الهی و اجتماعی □

ج: فقط الهی □ د: همه موارد □

۱۴. کدام آیه قرآن، رعایت حجاب را واجب می‌داند؟

الف: سوره نور، آیه ۳۱ □ ب: سوره احزاب، آیه ۵۹ □

ج: سوره نور، آیه ۶۰ □ د: سوره احزاب، آیه ۵۳ □

۱۵. مهمترین دلیل داشتن رعایت حجاب چیست؟

الف: خاصیت روانی و ارزش شخصیت زن □ ب: استحکام خانواده □

ج: استواری اجتماع □ د: همه موارد □

۱۶. معنا و منظور این کلمات در قرآن، چیست؟ «جَلَابِیْهِنَّ»، «یُحْمَرُهُنَّ»، «یُدْنِیْن».

الف: پوشاندن، جمع کردن، محکم گرفتن □ ب: محکم گرفتن، پوشاسندن، جمع کردن □

ج: جمع کردن، محکم گرفتن، پوشاندن □ د: جمع کردن، پوشاندن، محکم گرفتن □

۱۷. کدام گزینه درباره ایمان واقعی درست است؟

الف: نیت مهم است، عمل مهم نیست □ ب: هم نیت مهم است هم عمل □

ج: مهم، عمل است □ د: مهم، نیت است □

۱۸. بیان علت و فلسفه احکام خدا، برای..... است.

الف: قانع شدن انسان‌ها □ ب: علم و آگاهی بیشتر □

ج: معرفت بیشتر و بندگی بهتر □ د: الف و ب □

۱۹. راز برخی از دستورات الهی که عقل از درک آنها عاجز است در چیست؟

الف: تقلید کورکورانه □ ب: محدود بودن عقل □

ج: مالکیت خدا □ د: همه موارد □

۲۰. وظیفه اصلی زنان چیست؟

الف: فعالیت اجتماعی، همدوش مردان □ ب: خانه داری و تربیت فرزند □

ج: کسب حلال □ د: تحصیل علم □

موفق باشید □

فرم پاسخنامه

	الف	ب	ج	د
۱				
۲				
۳				
۴				
۵				
۶				
۷				
۸				
۹				
۱۰				
۱۱				
۱۲				
۱۳				
۱۴				
۱۵				
۱۶				
۱۷				
۱۸				
۱۹				
۲۰				

سؤالات تشریحی:

۱. در قرآن کریم از چه زنانی یاد شده است؟ (فقط ۴ مورد را نام ببرید.)

۲. آیا زن می‌توان مجتهد شود؟ مرجع چطور؟ چرا؟

۳. سه دلیل برای چند همسری مردان بیان کنید.

۴. سه مورد از تفاوت‌های ازدواج موقت و فحشاء را بیان کنید.

۵. بی‌حجابی چه عوارضی برای اجتماع دارد؟

۶. حکمت داشتن حجاب در قرآن چه امری بیان شده است؟

۷. چرا حجاب برای زن است نه مرد؟

۸. چرا دختران زودتر از پسران به تکلیف می‌رسند؟

۹. برای کسانی که بی‌حجاب‌اند و معتقدند «دلت پاک باشد»، چه پاسخی دارید؟

۱۰. به چه دلیل باید در مسایل دینی تقلید کرد؟ □